[229] تصديق به وجود أو ره نيابند، مگر به يقين به وجود خداوند، زيرا أو به چيزى از صفات آفريدگان وصف نشود، واوست يگانه وبى نياز، هر چه تصور شود وبه وهم درآيد أو غير خداوند است. پروردگار نباشد كسى كه مورد درك واقع شود وتحت بررسى قرار گيرد، ومعبود نباشد آن كس كه هوا يا غير هوا أو را فرا گيرد، أو در همه چيز باشد نه بطورى كه در حصار قرارگرفته باشد، واز همه چيز ها جداست نه بگونه ايكه از أو نهان باشد، قادر وتوانا نيست كسيكه ضدى مقارن أو باشد يا همتايى با أو برابرى كند، قدمت أو از نظر گذشت روزگار نيست وتوجه أو جهت خاصى ندارد. از خردها پوشيده است چنانچه از ديده ها پنهان است، از اهل آسمان در پرده وحجاب است چنانچه از اهل زمين اينگونه است، نزديكى با أو گرامى داشتن اوست، دورى از أو پست شمردن اوست، مكاني أو را فرا نمى گيرد، وزماني أو را احاطه نمى كند، اگر در كار أو راه ندارد، بلندى أو بر فراز قله بودن نيست، آمدنش از جائى به جائى شدن نباشد، معدوم را موجود نمايد، وموجود را معدوم كند، براى غير أو در آن واحد دو صفت جمع نشود (يعنى براى غير أو جمع بين اضداد ممكن نيست)، فكر واديشه در باره أو همانا اعتقاد به بودن ووجود أو را مى رساند، وجود ايمانى نه وجود صفتي (يعنى فكر فقط وجود أو را اثبات مى كند نه آنكه صفت ذات أو بدست آيد وبه كنه ذات أو پى برده شود). _____